



۲۰۱۸/۰۸/۱۰

میر عبدالرحیم عزیز

## به نتایج انتخابات پاکستان دل نبندید



قمر جاوید بجوا



عمران خان

از آغاز خلق پاکستان توسط استعمار جهانی، این کشور تا اکنون مستقیم و یا غیر مستقیم تحت سیطره نظامیان قرار داشته و حکومت به اصطلاح ملکی و "دموکراتیک" کمتر توان دوام را یافته است. اگر احیاناً انتخابات ظاهراً دموکراتیک هم به راه می افتد و مردم به پای صندوق های رأی میروند تا افراد مورد نظر خود را در پارلمان انتخاب نمایند و بعداً رهبر حزبی که اکثریت را بدست آورده به حیث صدراعظم کاندید می گردد، در همه حالات نقش اردو و نظامیان این کشور به وضاحت مشاهده می شود.

هر فردی که منحیث صدراعظم حلف وفاداری یاد میکند باید و باید حمایت نظامیان را با خود داشته باشد، در غیر آن دوران حکومتش زودگذر خواهد بود. اصلاً تهداب پاکستان بر مبنای نظامی گری استوار شده است. در انتخابات اخیر که شخصی به نام "عمران خان" رهبر یک جریان سیاسی به اسم "تحریک انصاف" رقبای خود را عقب زد و احتمالاً که صدراعظم پاکستان هم گردد، اصلاً بدون حمایت اردو و شخص "قمر جاوید بجوا" لوی درستیز پاکستان نمی توانست کاری انجام دهد و موفقیتی بدست آورد. من درین جا حوادث سیاسی پاکستان را مورد ارزیابی قرار داده و نتیجه گیری خواهم کرد که بدون اراده آهنین اردو، هر گونه تبارز سیاسی یک فرد ملکی ناممکن خواهد بود.

عمران خان یک کریکت باز و زن باره و یک چهره تازه وارد در سیاست پاکستان است. یک عده خوش باوران به این عقیده اند که با به قدرت رسیدن عمران خان وضع سیاسی این کشور بهبود یافته و حد اقل روش پاکستان نسبت به افغانستان و هند تغییر خواهد خورد و فشار پاکستان بر افغانستان و ناحیه کشمیر در هند کاهش خواهد یافت.

من به این عقیده نیستم. تصمیم به ارتباط سه موضوع عمده برای همیشه در دست اردوی پاکستان و سازمان امنیت این کشور یعنی آی اس آی بوده که حکومت ملکی هم صد در صد در همچو موارد سر اطاعت به اردو و آی اس آی خم کرده است:

## ۱. موضوعات اتمی، ۲. مسأله کشمیر و ۳. بحران افغانستان.

در این سه موضوع یاد شده، اردو تصمیم اول و آخر را می گیرد و هیچ فرد و سازمانی در پاکستان توانایی رویارویی را با نظامیان این کشور ندارد. پس نقش صدراعظم ملکی بدون اشاره اردو به صفر تقرب می یابد. اگر مداخلات پاکستان در افغانستان را حد اقل از سال ۱۹۹۲ یعنی داخل شدن نیرو های جهادی به کابل تا امروز مورد ارزیابی قرار دهیم، به این نتیجه می رسیم که هر صدراعظم پاکستان خواه نواز شریف یا بینظیر بوتو و یا هر فرد دیگری که بود، فقط و فقط مجری روش های ویرانگر اردوی پاکستان و آی اس آی در افغانستان بوده است.

تاریخ پاکستان به اثبات رسانیده که "انتخابات" در پاکستان همیشه با خشونت و کشتار همراه بوده است. طوریکه ما در انتخابات اخیر این کشور هم کشتار و وحشی گری را مشاهده نمودیم. بایست یاد آور شد که نتایج انتخابات در هر زمانی با مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم اردو از قبل تعیین می شود. اگر به انتخابات اخیر توجه شود که چطور یک منتقد سیاسی نظام دکتاتوری پاکستان که هیچ زمانی نه در سیاست داخل بوده و نه در دستگاه دولت این کشور کاری انجام داده است، توانست به اکثریت آراء دست یابد؟ جای تعجب اینکه حتی افراد متعلق به احزاب دست راستی اسلامی هم حمایت خود را از عمران خان اعلام کردند و به نفع او رأی دادند. همین نیرو های دست راستی خواهد بود که حمایت نظامیان و دستگاه مخوف سازمان امنیت پاکستان آی اس آی را در حالت کنونی به سوی عمران خان جلب نموده و او را موفق جلوه خواهند داد، تا اینکه زمان مصرفش به پایان برسد. بایست یاد آور شد که یک مثلث شیطانی میان نیرو های تند رو اسلامی، اردو و آی اس آی موجود است که بر حیات سیاسی پاکستان همیشه حاکم بوده است. بنابراین، نباید متوقع بود که عمران خان بتواند تغییر فاحشی در روش و سیاست خارجی پاکستان نسبت به افغانستان وارد نماید. زیرا قدرتی که می تواند تغییر وارد کند آنهم اگر مایل باشد در توانایی فرد ملکی و یا پارلمان نیست، بلکه در سازمان مخوف امنیت پاکستان (آی اس آی) و دستگاه اردوی این کشور است.

با ورق زدن تاریخ این کشور مخلوق استعمار در می یابیم که از ماه اگست سال ۱۹۴۷ یعنی زمان خلق پاکستان، نظامیان بیش از ۳۰ سال طور مستقیم و بقیه ایام را غیر مستقیم بر حیات سیاسی پاکستان مسلط بوده اند. صدراعظم پاکستان فقط آله دست نظامیان به شمار میروند. اگر فردی مانند ذوالفقار علی بوتو خواست که طرح خود را در سیاست داخلی و خارجی عملی سازد، با بیرحمی کامل نابودش کردند. در اعدام بوتو نظامیان پاکستان و بالاخص شخص ضیاء الحق موافقت غرب را هم بدست آورده بود. به مشکل میتوان یافت که در پاکستان یک حکومت ملکی تا اخیر دوام نموده و قدرت را طور صلح آمیز به حکومت بعدی سپرده باشد. آی اس آی همکار نزدیک نظامیان پاکستان است که حتی در سطح دنیائی عمل میکند. اکثر نظامیان مأمور مخفی آی اس آی هم هستند و رئیس آی اس آی از میان نظامیان تعیین می گردد تا همکاری و تساند بین این دو تشکیل همیشه پابرجا باقی بماند. بعضاً فشار دنیائی بر پاکستان باعث میشود که انتخاباتی به راه بیافتد و ظاهراً یک فرد ملکی در رأس حکومت قرار بگیرد، اما در نهایت نظامیان و آی اس آی گردانندگان اصلی و محوری در سطح ملی و جهانی اند. قابل تذکار است که حتی ستره محکمه پاکستان تابع اوامر نظامیان است و نمی تواند از حدودی که تعیین شده، پا را فراتر بگذارد.

چرا عمران خان نسبی موفق شد و احتمالاً که صدراعظم پاکستان هم شود؟ مردم پاکستان از دو حزب عنعنوی پاکستان یعنی "مسلم لیگ" و "مردم" که فامیل های نواز و بوتو سال ها درین دو حزب حاکم بوده اند، خسته شده و تقاضای تحول را دارند. نظامیان با درک این موضوع خواستند که فرصتی به فرد منتقد حکومت نواز شریف بدهند و مردم را موقتاً خاموش سازند. عمران خان با حمایت اردو توانست موضوع فاسد بودن نواز شریف را به ستره محکمه پاکستان بکشانند که سبب محرومیت دایمی وی از سیاست گردید. شهرت خوب موقتی عمران خان و موفقیت نسبی اش در انتخابات باعث گردید که نظامیان پاکستان و شخص "قمر جاوید بجوا" لوی درستیز پاکستان در حال کنونی از وی حمایت نمایند.

عمران خان میداند که تا کجا میتواند بتازد و تا چه حد مستقلانه عمل نماید. هر گونه سرپیچی از اوامر نظامیان به حیات سیاسی و زندگی شخصی اش نقطه پایان خواهد گذاشت، خصوصاً اینکه پاکستان روزهای دشواری را در حیات اقتصادی و سیاسی سپری می کند و روابطش با امریکا سخت در یک مرحله آزمایش تاریخی قرار گرفته است.

هنوز معلوم نیست که عمران خان آنقدر درک و عمق سیاسی خواهد داشت تا بتواند به باریکی ها و پیچ و خم های سیاست خارجی پاکستان و طور خاص بحران افغانستان و کشمیر پی ببرد و ماهرانه عمل کند. تاریخ سیاسی پاکستان نشان داده است، هر زمانی که نظامیان اراده نمایند و یا ببینند که منافع شان با موجودیت صدراعظم ملکی به خطر افتاده، آنرا داخل اقدام شده و قدرت را در دست می گیرند. ما شاهد برکناری نواز شریف در سال ۱۹۹۹ بودیم که می خواست "پرویز مشرف" لوی درستیز آنوقت پاکستان را از وظیفه برکنار نماید، لاکن حوادث طوری پیش رفت که نظامیان خودش را در دام انداختند و سرانجام به عربستان سعودی تبعیدش کردند. این همه درس های عبرت انگیز برای عمران خان خواهد بود که تکیه به جلو حرکت نماید و نظامیان را عصبانی نسازد.

تحلیلگران هند در امور پاکستان معتقدند که عمران خان تابع دساتیر آی اس آی و نظامیان خواهد بود و نباید به آمدنش برای یک تغییر واقعاً کیفیتی در روابط بین هند و پاکستان معتقد شد. هندی ها به عمق کردار و گفتار سیاسیون پاکستان وارد اند، زیرا هر دو دست پرورده استعمار برتانیه اند و به خوی و بوی یک دیگر خوب می فهمند. شاید هنوز زود باشد که بتوان از انتخابات اخیر پاکستان نتایج کلی را گرفت، اما با سابقه نظامی گری درین کشور میتوان گفت که بقای یک حکومت مستقل ملکی و بدور از نفوذ نظامیان کار آسان نخواهد بود.

به دولت مستعمراتی کابل باید گفت که هشیار جان تان باشید تا بار دیگر و بار های دیگر فریب نخورید. پاکستان در همه ساحات در افغانستان جاسوس دارد و به آسانی میتواند افغانستان را در منجلاب بدبختی بیاندازد و این عملکرد را تکرار نماید. در مذاکرات سیاسی، افراد توانای خود (آنها اگر موجود باشد) را بفرستید تا توان چانه زدن را با حيله گران پاکستانی داشته باشند. دست شما زیر سنگ پاکستان است، بالاخص اینکه افغانستان حاکمیت ملی ندارد و رهبری اش مستقل نیست.

پایان

